

عبدالکریم
خرم، وزیر
وقت اطلاعات
و فرهنگ
به مجلس
نمایندگان
احضار شد. از او
سؤال شد که چرا
جلوی پخش
سریال‌های
مبتذل
تلویزیون طلوع
رانمی‌گیری؟
گفت جلسه را
خلوت کنید
طوری که
خبرنگار نباشد.
بعد گفت من
چند دفعه
کوشش کردم
جلوی پخش
این سریال‌ها را
بگیرم اما زورم
نرسید؛ [از خارج]
تلفن می‌آمد
که چرا جلوی
آزادی بیان را
می‌گیرید!

در افغانستان وقتی با مردم صحبت می‌کنیم احساس فساد نسبت به دولت‌های جمهوریت یعنی دولت‌های کرزای و غنی، خیلی مشهود است. اولین سؤال این است که به نظر تان چقدر این احساس فساد واقعی بود؟ آیا فقط فساد مالی بود یا فساد اداری، فسادهای قومیتی و... هم وجود داشت؟

به شما خوشامد و خسته نباشید می‌گویم. صحبت‌های عامه مردم هم در هنگام تمجید و هم هنگام مذمت قطعاً بی‌مبالغه نیست. در افغانستان همیشه فساد بوده ولی فساد در دوره جمهوریت بیشتر از دوره گذشته بود. در زمان ظاهرشاه، فساد اداری و رشوه‌ستانی زیاد بود. در دو سال اول داوود خان ابعاد و گراف فساد پایین آمد اما دوباره بالا رفت. بعد از کودتای پرچم عناصر خلقی تا جایی که ما می‌دانیم، رشوه نمی‌گرفتند. حزب دموکراتیک خلق هم زیاد دست درازی نکرد. خشونت کردند، آدم کشتند و با اشغالگر همدست شدند ولیکن احساس ما این است که در صدد جمع کردن ثروت نشدند. پس از سقوط دکتر نجیب، مجاهدین هیچ‌گاه حکومتی نیافت که بر اوضاع سراسر کشور مسلط باشد. پس از اختلافات نتیجه این شد که در افغانستان ۷۰۰ حکومت شکل گرفت. چه بسا حتی یک قریه در اختیار یک حزب نبود. در این دوره قلمندان‌ها مردم را تحت فشار می‌گذاشتند. از مردم، مصرف خود را می‌گرفتند. جنگ دوام داشت تا در سال ۷۳ پدیده طالبان ظهور کرد. ادعا این بود که اسلام و شریعت را حاکم بسازیم و با فساد مبارزه کنیم. آنها در سال ۷۴ هرات را گرفتند و در سال ۷۵ کابل را. در آن دوره ما چیزی دال بر وجود فساد احساس نکردیم تا اینکه طالبان شکست خورد. در این مدت ۲۰ سال فساد از دوره‌های گذشته اعم از فساد اداری، اخلاقی، پخش گسترده فیلم‌های ضد ارزشی و مبتذل و... بیشتر شد. در دوره جمهوریت، خود کرزای آدم معتبر و پاک نفسی بود اما اداره‌اش بسیار ضعیف بود. هیچ‌کسی از کرزای نمی‌ترسید. کرزای با کسی برخورد جدی نکرد.

آیا در پولی که خارجی‌ها به افغانستان آوردند نیز فساد وجود داشت؟

قسمت زیادی از پول سرازیر شده به افغانستان را خود خارجی‌ها پس بردند. از در آوردند، از دریچه بیرون کشیدند. سعی می‌کردند پروژه‌ها را به خارجی‌ها یا اتباع و عوامل خودشان بدهند. خیلی‌ها، در وزارت داخله، در وزارت دفاع و وزارتخانه‌های دیگر، هر وزیر از افراد مورد اعتمادش یک مأمور خریداری تعیین می‌کرد. مأمور خریداری مطابق نرخ روز بازار و با تئانی برخی کسبه، جنس بدل را به جای جنس گران و اصل برای وزارتخانه فاکتور می‌کرد و مابه‌التفاوت را به عنوان فایده خودش برمی‌داشت. از دور دوم حکومت آقای کرزای فساد بر ملا شد. رفته رفته وضعیت طوری شد که با پول هر کاری انجام می‌شد و بدون پول هیچ کاری انجام نمی‌شد. اگر خارجی‌ها پولی را که به افغانستان آمد، بنام متخصص و کارشناس دزدی نمی‌کردند، افغانستان خیلی آبادتر از این بود. برخی از خارجی‌ها در یک ماه ۶۰ هزار دلار معاش می‌گرفتند. لقمه کلانی از این پول را خود خارجی‌ها برداشتند. بخشی دیگر را به افراد مورد نظر خودشان می‌دادند. شاید شما رسوایی کابل بانک را شنیده باشید که در سطح بین‌المللی صدا کرد. پول و اعتباری را که مردم در بانک گذاشته بودند، خالی کردند و بردند در خارج برای خود سرمایه‌گذاری‌های شخصی کردند.